



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی حکم دائم الحدث

موضوع جزئی: کیفیت نماز خواندن دائم الحدث

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۳ آبان ۱۳۹۹

مصادف با: ۷ ربیع الاول ۱۴۴۲

جلسه: ۱۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

**خلاصه جلسه گذشته**

بحث در حکم مسلوس و مبطون بود. عرض شد که حکم نماز خواندن مسلوس و مبطون چند صورت دارد که دو صورت از آن صور در جلسات گذشته ذکر شد و همچنین، عرض شد که صورت دوم، سه فرض دارد که آن سه فرض در جلسه گذشته ذکر و فرض اول مورد بررسی قرار گرفت و عرض شد که در فرض اول که بول یا غائط دو بار یا سه بار یا بیشتر از شخص خارج می شود، ولی وضو گرفتن بعد از هر حدث موجب عسر و حرج نمی شود، حکم این است که شخص وضو بگیرد و مقداری آب کنار خود بگذارد و نمازش را شروع کند که اگر در اثناء نماز، بول یا غائطی از او خارج شد بلافاصله و بدون اینکه صورت نماز به هم بخورد، وضو بگیرد و نمازش را ادامه دهد.

حکم مذکور، طبق قاعده است و می توان به ادله ای که طهارت را شرط نماز می دانند استناد کرد و گفت که در فرض مذکور نیز عملاً نماز با طهارت خوانده شده است.

ادله ای که به اطلاقشان بر شرطیت طهارت برای نماز دلالت دارند به دو دسته تقسیم می شوند؛ دسته اول از روایات، مثل روایت زرارۀ از امام باقر (ع): «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوٍ»<sup>۱</sup> بر اعتبار طهارت در آنچه صلاة بر آن اطلاق دارد، دلالت دارند، به این معنی که شخصی که مشغول نماز شده است، تخلل و فاصله ایجاد شده در بین نماز که به واسطه وضو گرفتن به وجود آمده است جزء نماز شمرده نمی شود لذا «لا صلاة الا بطهور» بر اعتبار طهارت در اکوان متخللة که به واسطه وضو گرفتن در بین نماز به وجود آمده است، دلالت ندارد چون نماز بر این فواصل ایجاد شده، صدق نمی کند و فرض این است که در فرض مذکور، شخص عمداً در بین نماز وضو نگرفته است، بلکه به خاطر مشکلی که دارد، مجبور شده است که در بین نماز که حدث از او سر زده است، وضو بگیرد و نمازش را ادامه بدهد.

اما دسته دوم از روایات بر اعتبار طهارت برای نماز حتی در اکوان متخللة دلالت دارند، یعنی در هنگامی که شخص در اثناء نماز مشغول وضو گرفتن است نیز باید طهارت داشته باشد. این ادله، ادله قواطع صلاة می باشند که بر بطلان نماز به وسیله قواطعی، مثل پشت کردن به قبله و خروج حدث دلالت دارند بنابراین، نفس وقوع حدث در نماز، هر چند در اکوان متخللة باشد، موجب بطلان نماز می شود و در نتیجه، ما سبق از نماز به ما بعد آن ملحق نمی شود، یعنی آنچه از نماز را که شخص، قبل از وضو گرفتن در اثناء نماز خوانده به بعد از وضو گرفتن ملحق نمی شود لذا نمی توان گفت که بعد از خروج حدث در بین نماز، شخص وضو می گیرد و نمازش را ادامه می دهد.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب احکام الخلو، باب ۹، ص ۳۱۵، ح ۱.

لکن عرض می‌شود که مسلوس و مبطن استثناء شده‌اند، یعنی هرچند روایاتی وجود دارند که بعضی از چیزها، مثل پشت به قبله کردن و خروج حدث، قاطع نماز می‌باشند، لکن نسبت به مسلوس و مبطن به اعتبار اخباری که در رابطه با این دو آمده است، صرف نظر شد، چرا که این اخبار بر این دلالت داشتند که حدث در حق مسلوس و مبطن قاطع نماز نیست چون اگر بنا بود که حدث نسبت به مسلوس و مبطن، قاطع نماز باشد باید نماز از مسلوس و مبطن ساقط می‌شد چون این دو تمکن از صلاة مأموریه ندارند زیرا خروج بول یا غائط پیوستگی و استمرار دارد و شخص تمکن از صلاة مأموریه را ندارد و با توجه به اینکه گفته شد که نماز از مسلوس و مبطن ساقط نمی‌شود این دو استثناء شده‌اند و نسبت به مسلوس و مبطن بر اساس استثناء عمل می‌شود. اما روایات دسته اول که اطلاق دارند، بر حال خود باقی‌اند و برای اینکه نمازی که شخص می‌خواند مجزی باشد، اگر در اثناء نماز از شخص حدثی سر زند، اقتضا دارد که شخص طهارت تحصیل کند و اگر کسی بگوید که نماز با فعل کثیر [، یعنی وضو گرفتن مکرر در اثناء نماز] باطل می‌شود، عرض می‌شود که فعل کثیر در این فرض مبطل نیست چون هیچ دلیل لفظی برای بطلان نماز در این فرض قائم نشده است، بلکه گفته‌اند که از ارتکازات متشرعه است و این ارتکاز به افعالی مربوط است که به نماز ارتباطی نداشته باشد و اتکاز مذکور، به وضو برای نماز مربوط نمی‌شود تا گفته شود که فعل کثیر مبطل نماز است. بنابراین، سخن مرحوم سید (ره) مطابق با قاعده است و مشکلی ندارد و لذا اگر در اثناء نماز از شخص مسلوس و مبطن، بول یا غائط خارج شود، وضو می‌گیرد و به نمازش ادامه می‌دهد.

بعد از اینکه مشخص شد که وضو گرفتن در اثناء نماز در فرض مذکور، طبق قاعده است و مشکلی ندارد، به روایاتی که در باب مسلوس و مبطن وارد شده‌اند رجوع می‌شود.

#### روایات مربوط به مسلوس البول

مؤلفه سماعه: عَنْ سَمَاعَةَ؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَخَذَهُ تَقَطِيرٌ مِنْ فَرْجِهِ إِمَّا دَمٌ وَإِمَّا غَيْرُهُ، قَالَ: «فَلْيُضَعْ خَرِيطَةٌ وَلْيَتَوَضَّأْ وَلْيُصَلِّ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بَلَاءٌ أَتَيْتَنِي بِهِ فَلَا يُعِيدُنِي إِلَّا مِنَ الْحَدَثِ الَّذِي يُتَوَضَّأُ مِنْهُ»<sup>۱</sup>.

سماعه در روایت مذکور، گفته است که از امام (ع) در رابطه با شخصی که خون یا غیر خون، به صورت قطره‌ای از فرج او خارج می‌شود، سؤال کردم، آن حضرت (ع) فرمود که آلت تناسلی را در کیسه‌ای قرار دهد و وضو بگیرد و با همان حالت نماز بخواند زیرا آن شخص به بلائی مبتلا شده است، پس لازم نیست که نماز را اعاده کند، مگر اینکه حدثی برای او پیش آید که [متعارف باشد و] معمولاً برای آن حدث وضو گرفته می‌شود که در این صورت باید نمازش را اعاده کند.

گفته شده است که روایت مذکور، بر عدم لزوم اعاده وضو از جانب شخص مسلوس دلالت دارد و حدث اقتضائی [، یعنی مسلوس البول بودن] در حق مسلوس، حدث نیست، بلکه مشکلی است که برای او پیش آمده است و خارج از اختیار اوست لذا بر او واجب نیست که وضویش را در اثناء نماز اعاده کند.

#### مناقشه در استدلال به روایت مذکور

در بعضی از نسخه‌ها به جای کلمه «من فرجه»، کلمه «من قرحه» آمده است و طبق این نسخه‌ها که کلمه «من قرحه» آمده است، روایت مذکور به بحث مورد نظر که مسلوس البول باشد، هیچ ارتباطی ندارد.

۱. همان، ابواب نواقض الوضوء، باب ۷، ص ۲۶۶، ح ۹.

صاحب وسائل (ره) روایت را از مرحوم شیخ طوسی (ره) نقل کرده است و مرحوم شیخ (ره) روایت را با لفظ «من فرجه» آورده است، کما اینکه در کتاب وافی و حدائق نیز روایت با همین تعبیر آمده است و در کتب فقها نیز لفظ «فرجه» آمده است. بنابراین، کلمه «قرحه» اشتباهی است که در برخی از نسخ رخ داده است و این اشتباه از جانب کسانی که از کتاب وسائل نسخه برداری کرده‌اند، صورت گرفته است.

به علاوه، اینکه تعبیر «فَلْيَضَعْ خَرِيطةً» بر اینکه لفظ «فرجه»، صحیح است و لفظ «قرحه» صحیح نیست، دلالت دارد چون «خريطة» کیسه‌ای است که شخص به آلت خود می‌بندد تا آنچه از آلت خارج می‌شود به ران‌ها و بدن اصابت نکند و بدن را نجس نکند و متعارف نیست که شخص برای قرح، کیسه بگذارد، بنابراین، مناقشه مذکور، وارد نیست و استدلال به روایت مذکور، بر مدعا تمام است.

«الحمد لله رب العالمین»